

دادرسی اساسی تطبیقی

عنوان پژوهش

وظایف و اختیارات
دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۱

تاریخ: ۱۳۹۲/۹/۱۸



شناسنامه

عنوان:

**دادرسی اساسی تطبیقی
وظایف و اختیارات
دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق**

مؤلف:

مصطفی منصوریان

ناظر علمی:

سید محمد مهدی غمامی

دفتر مطالعات تطبیقی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۱

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۹/۱۸

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

چکیده.....	۲
مقدمه.....	۳
۱ - پیشینه دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق.....	۵
۲ - ساختار شکلی دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق.....	۷
۳ - صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق.....	۸
۳-۱ نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی.....	۸
۳-۲ تفسیر قانون اساسی.....	۱۲
۳-۳ ایفای نقش داور در حل و فصل اختلافات نهادهای فدرال.....	۱۳
۳-۴ رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء.....	۱۶
۳-۵ تایید نتایج انتخابات عمومی مجلس نمایندگان.....	۱۷
۳-۶ رسیدگی به اعتراض نمایندگان مجلس در خصوص اعتبارنامه اعضاء.....	۱۷
۳-۷ تجدیدنظرخواهی از تصمیمات دادگاه‌های اداری در اجرای قانون تابعیت.....	۱۸
۴ - دادگاه عالی فدرال و حمایت از حقوق و آزادی‌ها.....	۱۸
۵ - مقایسه دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران.....	۱۹
جمع‌بندی.....	۲۲

چکیده

قانون اساسی متضمن عالی‌ترین و اساسی‌ترین قواعد و اصولی است که مبین ساختارها، سیاست‌ها و ارزش‌های یک جامعه می‌باشد و به واسطه آن قدرت سیاسی مستقر می‌شود، اجرا می‌گردد و انتقال می‌یابد. این مسئله موجب شده تا صیانت از قانون اساسی، به عنوان میثاق ملی و سند حقوقی سیاسی کشور، به امری کاملاً مهم و ضروری تبدیل گردد و در همه نظام‌های حقوقی نیز تدابیری برای آن اندیشیده شود. «دادگاه عالی فدرال» نیز نهاد نوپای نظام حقوقی جمهوری عراق می‌باشد که متعاقب تحولات اخیر عراق و نیز تدوین قانون اساسی جدید آن در سال ۲۰۰۵ میلادی، با گستره وسیعی از وظائف و اختیارات برای نیل به این اهداف تاسیس شده است و این نوشتار ضمن بررسی اجمالی نظام قانون اساسی جمهوری عراق، به تبیین صلاحیت‌ها و کارویژه‌های نهاد مزبور می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: دادرسی اساسی، دادگاه عالی فدرال، مطابقت قوانین با قانون

اساسی، حل و فصل اختلافات قوای فدرال، تصمیمات دادگاه عالی فدرال

مقدمه

کشور عراق از نخستین مراکز تمدن بشری تلقی می‌گردد که به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی و امکانات اقتصادی مناسب همواره مورد توجه کشورهای استعماری بوده است. سرزمین عراق، قرن‌ها جزء ممالک ایران و در دوران امپراطوری اسلامی، مرکز خلفای اسلامی بوده است و طی سال‌های ۱۵۳۴ لغایت ۱۹۱۹ میلادی بخشی از امپراطوری عثمانی به حساب آمده که پس از جنگ جهانی اول و شکست امپراطوری عثمانی، تحت الحمایه دولت بریتانیا قرار گرفت و در سال ۱۹۳۲ میلادی نیز استقلال خود را اعلام نمود. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۲۴)

اولین قانون اساسی عراق در سایه اشغال نظامی بریتانیا در سال ۱۹۲۵ میلادی تدوین گردید و طی آن رژیم سلطنتی عراق به تصویب رسید و تا زمان کودتای نظامی سال ۱۹۵۸ میلادی که رژیم جمهوری را در آن سرزمین مستقر نمود، لازم الاجرا باقی ماند.^(۱) در ادامه پس از قانون اساسی موقت عراق در سال ۱۹۶۴ میلادی، حزب بعث عراق متعاقب یک کودتای نظامی دیگر در سال ۱۹۶۸ میلادی، به قدرت نائل آمد و در ژوئیه سال ۱۹۷۰ میلادی، قانون اساسی موقت عراق توسط شورای فرماندهی انقلاب^(۲) عراق که متشکل از سران حزب بعث بودند به تصویب رسید. (حواس الفلاج، ۲۰۰۹: ۲۷)

پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و با متهم نمودن دولت عراق به مالکیت غیر قانونی سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از تروریسم و تهدید صلح جهانی، ایالات متحده آمریکا با پشتیبانی انگلستان سیاست «جنگ پیشگیرانه» را در دستور کار خود قرار داد و بر پایه این سیاست در سال ۲۰۰۳ میلادی به عراق حمله نمود که در نتیجه عراق در مدتی کمتر از سه هفته به تصرف کامل آمریکا و هم‌پیمانانش درآمد. (Gerhard, 2007: 423) و تا سال ۲۰۰۵ میلادی نیز در اشغال نیروهای مزبور بود. در ادامه، در تاریخ ۸ مارس ۲۰۰۴ میلادی، قانون اساسی موقت عراق^(۳) پس از اشغال به تصویب می‌رسد^(۴) و در نهایت قانون اساسی جدید عراق که تعیین‌کننده ساخت قدرت و سیاست در عراق است، با وجود اختلاف‌هایی که میان گروه‌های گوناگون عراقی به‌ویژه اعراب شیعه، سنی و کردها وجود داشت^(۵) در

همه‌پرسی اکتبر ۲۰۰۵ میلادی به تایید ۷۸/۵۹ درصد عراقیان رسید. (افشون، ۱۳۸۵: ۴۳)

بر این اساس، جمهوری عراق کشوری مستقل و دارای حاکمیت است و نظام حکومتی آن جمهوری پارلمانی دموکراتیک و فدرال عنوان گشته است (ماده (۱) قانون اساسی عراق) و اسلام نیز دین رسمی کشور و منبع اصلی قانون‌گذاری معرفی شده است. (ماده ۲ قانون اساسی عراق)

حکومت فدرال عراق از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه بر اساس اصل تفکیک قوا تشکیل شده است. (ماده ۴۶ قانون اساسی عراق) که قوه مقننه متشکل از دو نهاد مجلس نمایندگان و شورای مناطق و استان‌ها می‌باشد؛ (ماده ۴۷ قانون اساسی عراق) قوه مجریه نیز از رئیس جمهور به عنوان نماد وحدت ملی و حاکمیت کشور (ماده ۶۶ قانون اساسی عراق) و شورای وزیران تشکیل یافته است که در این رابطه، مجلس نمایندگان از میان نامزدهای ریاست جمهوری با اکثریت دو سوم آراء، رئیس جمهور را برای مدت ۴ سال که برای بار دوم نیز قابل تمدید می‌باشد، انتخاب می‌نماید. (ماده ۶۹ و ۷۱ قانون اساسی عراق) همچنین، رئیس جمهور نامزد ائتلافی که در مجلس دارای اکثریت است را به عنوان نخست وزیر انتخاب کرده و وی مکلف به معرفی هیئت وزیران می‌گردد. (ماده ۷۵ قانون اساسی عراق) لازم به ذکر است که نخست وزیر، مسئول مستقیم اجرای سیاست‌های کلی دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح است که اداره شورای وزیران و عزل ایشان را بر عهده دارد. (ماده ۷۷ قانون اساسی عراق) قوه قضائیه نیز قوه‌ای مستقل است (ماده ۸۶ قانون اساسی عراق) که از شورای عالی قضائی، دادگاه عالی فدرال، دادگاه تشخیص فدرال، دادستانی، سازمان نظارت قضائی و دیگر دادگاه‌های فدرال که طبق قانون سازماندهی می‌شوند، تشکیل می‌گردد. (ماده ۸۸ قانون اساسی عراق) مسئله لازم به ذکر دیگر اینکه طبق ماده ۱۱۳ قانون اساسی عراق، نظام فدرال جمهوری عراق متشکل از یک پایتخت، مناطق^(۶) و استان‌های مستقل و ادارات محلی می‌باشد که مقامات مناطق جز در مواردی که به عنوان اختیارات انحصاری مقامات فدرال تعیین شده است، از اختیارات قانون‌گذاری، اجرایی و قضائی برخوردار می‌باشند. (ماده ۱۲۱ قانون اساسی عراق)

درعین حال، یکی از مهمترین اهداف قانون اساسی هر کشوری و از جمله نظام

جمهوری عراق حفظ یکپارچگی نظام حقوقی مربوطه، اجرای کامل آن و جلوگیری از اجرای سلیقه‌ای و انحراف از مواد آن می‌باشد که قانون اساسی جمهوری عراق بدین منظور نهاد مستقلی را در نظر گرفته و «دادگاه عالی فدرال»^(۷) را به عنوان نهاد دادرسی قانون اساسی، تاسیس نموده است. در واقع، دادرسی اساسی و نهادهای اعمال کننده آن، سازوکارهای لازم را برای تضمین اصول مندرج در قانون اساسی فراهم می‌سازند، چراکه بدون نهاد پاسدار و تضمین‌گر، نیل به اهداف فلسفی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قانون اساسی امکان‌پذیر نخواهد بود و قانون اساسی بدون نهادی صیانت‌کننده، به متنی ایدئولوژیک، آرمانی و دست‌نیافتنی مبدل خواهد شد. (موسی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: مقدمه) در ادامه پس از تبیین پیشینه نهاد مزبور و ساختار شکلی آن، صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق

قانون اساسی سال ۱۹۲۵ میلادی عراق که بر مبنای نظام پادشاهی تدوین گردید، برای اولین بار موضوع نظارت بر عدم مغایرت قوانین با قانون اساسی و نیز تفسیر مواد قانون اساسی را مطرح نمود و «دادگاه عالی»^(۸) را نیز برای نیل به این مهم تاسیس کرد. طبق ماده ۸۱ قانون اساسی سال ۱۹۲۵ میلادی عراق، دادگاه مزبور متشکل از ۴ قاضی و ۴ تن از اعضای مجلس اعیان^(۹) بوده که اختیارات آن با موافقت پادشاه اعمال می‌گردید و به دلیل وجود چنین شرطی، مرجع مزبور صرفاً در یک مورد امکان صدور حکم پیدا نموده است.^(۱۰) (بهجت یونس، ۲۰۰۸: ۵) همچنین در قانونی که با کودتای نظامی سال ۱۹۶۸ میلادی عراق تنظیم می‌گردد، تشکیل دادگاه عالی نظارت بر عدم مغایرت قوانین با قانون اساسی مورد تصریح قرار می‌گیرد که البته به این مقررّه هیچ‌گاه عمل نمی‌شود. لازم به ذکر است که در قانون اساسی سال ۱۹۷۰ میلادی نیز چنین موضوعی به طور کلی طرح نمی‌گردد. (الیعقوبی، ۲۰۱۲: ۲)

منشا تاسیس دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق، ماده ۴۴ قانون اداره کشور عراق برای دوره انتقالی (قانون اساسی موقت عراق) می‌باشد^(۱۱) که بند نخست ماده مزبور، تدوین قانون دادگاه عالی فدرال و تشکیل آن توسط قانون را پیش‌بینی می‌نماید و بنابر مقررّه مذکور، قانون شماره (۳۰) به عنوان قانون دادگاه عالی فدرال در سال ۲۰۰۵

میلادی به تصویب می‌رسد.^(۱۲) آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال^(۱۳) نیز طبق مقررّه ماده ۹ قانون دادگاه عالی فدرال^(۱۴) در سال ۲۰۰۵ میلادی به تصویب می‌رسد.

در عین حال، با به تصویب رسیدن قانون اساسی دائم عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی، مواد ۹۱، ۹۲ و ۹۳ قانون مزبور به موضوع دادگاه عالی فدرال اختصاص می‌یابند. بر همین اساس نیز، بند دوم ماده ۹۱ قانون اساسی جدید^(۱۵) مقرر می‌نماید که: «دادگاه عادی فدرال از تعدادی قاضی، کارشناس فقه اسلامی و کارشناس حقوقی تشکیل می‌گردد که تعداد، روش انتخاب آن‌ها و فعالیت دادگاه بر اساس قانونی که با اکثریت دو سوم اعضای مجلس نمایندگان تدوین می‌شود، تعیین می‌گردد». و علی‌رغم چنین تصریحی، قانون مزبور هنوز مورد تصویب مجلس نمایندگان قرار نگرفته و بدین ترتیب نیز، قانون شماره (۳۰) مصوب سال ۲۰۰۵ مبنای عمل دادگاه عالی فدرال قرار گرفته که چنین مسئله‌ای مشروعیت دادگاه عالی فدرال بر مبنای قانون سابق را تحت الشعاع قرار داده است. (الیعقوبی، ۲۰۱۲: ۳)

درواقع، پاره‌ای از حقوق‌دانان عراقی با استناد به ماده ۱۳۰ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ میلادی^(۱۶) مشروعیت عمل بر مبنای قانون سابق را با این استدلال مورد تایید قرار داده‌اند که «قانون جدیدی مبنی بر الغاء قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال تصویب نگشته است» و لذا فعالیت دادگاه مزبور را قانونی تلقی نموده‌اند و برخی دیگر نیز با استناد به ماده ۱۳۸ قانون اساسی^(۱۷) که به الغاء قانون اداره کشور عراق در دوره انتقالی تصریح می‌نماید، دادگاه عالی فدرال را به دلیل فقدان مستند قانونی لازم مطابق با آنچه در ماده ۹۱ قانون اساسی دائم عراق ذکر گردیده است، فاقد مشروعیت دانسته‌اند. (الیعقوبی، ۲۰۱۲: ۴) که به نظر می‌رسد نظر دوم مقرون به صواب باشد، چراکه عمل بر مبنای قانون سابق در صورتی دارای مشروعیت است که در تنافی با احکام قانون اساسی نباشد و این مسئله در حالی است که قانون شماره (۳۰) دادگاه عالی فدرال که وفق ماده ۴۴ قانون اداره کشور عراق برای دوره انتقالی (قانون اساسی موقت عراق) تدوین شده است، با ماده ۹۱ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ میلادی عراق در تضاد است. در واقع، از یک‌سو طبق قانون اساسی دائم عراق، اعضاء دادگاه عالی فدرال متشکل از «تعدادی قاضی، کارشناس فقه اسلامی و کارشناس حقوقی» عنوان شده است و از سوی دیگر طبق قانون شماره (۳۰)، دادگاه عالی فدرال صرفاً از ۹

قاضی» تشکیل گشته است که در حال حاضر به آن عمل می‌شود و عدم امتثال به نص صریح قانون اساسی را در این مسئله نشان می‌دهد.

در این رابطه شایان ذکر است که پیش‌نویس قانون دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق در سال ۲۰۰۷ میلادی طی ۲۵ ماده تدوین گشته و به مجلس نمایندگان ارسال شده است که البته همان‌گونه که بیان شد مورد تصویب واقع نشده است^(۱۸) و بدین ترتیب، دادگاه عالی فدرال در حال حاضر طبق قانون شماره (۳۰) مصوب سال ۲۰۰۵ به انجام وظایف و اختیارات خود مشغول می‌باشد.

۲- ساختار شکلی دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق

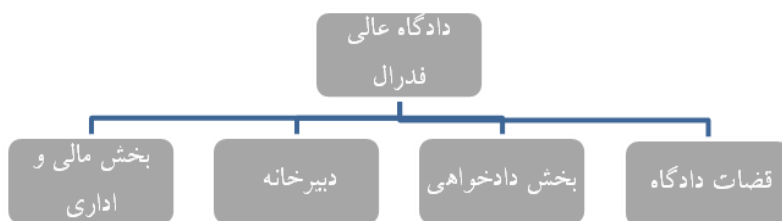
طبق ماده ۳ قانون شماره (۳۰) دادگاه عالی فدرال، دادگاه متشکل از یک رئیس و هشت عضو می‌باشد که از سوی رئیس جمهور عراق^(۱۹) تعیین می‌شوند و وفق تصریح بند (ه) ماده ۴۴ قانون اداره دولت برای دوره انتقالی، شورای عالی قضائی عراق^(۲۰) با مشورت شوراهای قضائی استان‌ها، نامزدهای عضویت را (حداقل ۱۸ نفر و حداکثر ۲۷ نفر) به رئیس جمهور معرفی می‌نماید. نکته لازم به ذکر اینکه چه در قانون اداره دولت برای دوره انتقالی و چه در قانون شماره (۳۰) به عنوان قانون دادگاه عالی فدرال، شرائطی برای تعیین اعضاء بیان نشده و در واقع قوانین مذکور از این حیث دارای اطلاق می‌باشند و این مسئله منوط به نظر شورای عالی قضائی عراق می‌باشد. طبق ماده ۵ قانون شماره (۳۰) دادگاه عالی فدرال، تصمیمات دادگاه با رای اکثریت اعضاء اخذ می‌شود و البته در خصوص حل و فصل اختلافات بین دولت فدرال و مناطق، اخذ تصمیم با اکثریت دو سوم آراء صورت می‌پذیرد. همچنین طبق بند دوم ماده ۹۳ قانون اساسی، تصمیمات متخذه دادگاه برای همه قوا قطعی و الزام‌آور بوده و قابل تجدیدنظرخواهی نمی‌باشند.

عضویت اعضاء دادگاه عالی فدرال طبق ماده ۶ قانون شماره (۳۰) محدود به دوره خاصی نبوده و در واقع به صورت مادام‌العمر می‌باشد، مگر آنکه خود اعضاء نسبت به ترک عضویت درخواست دهند. همچنین در طول دوره عضویت، اعضاء از حقوق و دستمزد به میزان حقوق «وزراء» برخوردار می‌باشند و در صورت ترک خدمت نیز از حقوق بازنشستگی به میزان ۸۰٪ مجموع آنچه که سابق بر آن در هر ماه دریافت

نموده‌اند، برخوردار می‌باشند؛ البته مطابق با تصریح ماده مذکور، در صورت عزل به دلیل محکومیت ناشی از فساد اخلاقی و یا کناره‌گیری از اشتغال بدون آنکه با استعفای ایشان موافقت شود از حقوق مزبور محروم خواهند بود.

جدول ذیل نیز ساختار سازمانی دادگاه عالی فدرال را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: ساختار سازمانی دادگاه عالی فدرال



ماخذ: سایت رسمی دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق

۳- صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق

ماده ۹۲ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ میلادی عراق به طور خاص به دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق پرداخته و وظائف و اختیارات آن را احصاء نموده است؛ علاوه بر این، موارد دیگری نیز جزء حدود وظایف و اختیارات دادگاه عالی فدرال برشمرده شده است که در ماده ۹۲ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ میلادی جمهوری عراق عنوان نشده‌اند.^(۲۱) ذیلاً به توضیح این صلاحیت‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱ نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی

قانون اساسی در معنای عام کلمه «به کلیه قواعد و مقرراتی گفته می‌شود که مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن است. قانون اساسی از یکسو حدود آزادی فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی ترسیم می‌نماید». (قاضی، ۱۳۸۲: ۹۲) و لذا اهمیت قانون اساسی به دلیل رعایت نظم است که برای بقای جامعه ضروری بوده و سرپیچی از آن سبب بی‌ثباتی روند زندگی شهروندان و اخلال در روابط آن‌ها با یکدیگر و دولت‌مردان می‌شود. (کدخدایی، ۱۳۸۲: ۲۲۵) دادرسی اساسی نیز به مجموعه نهادها و

سازوکارهایی اطلاق می‌گردد که غایت آن‌ها تضمین احترام و برتری قانون اساسی است. وجه مشترک دادرسی اساسی در بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز مساله نظارت بر امر تقنین است (گرجی، ۱۳۸۷: ۱۶۱) و بر همین اساس نیز یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های دادگاه عالی فدرال عراق، به عنوان دادرس قانون اساسی، نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی در نظر گرفته شده است.

در این خصوص لازم به ذکر است که به طور کلی دو روش «کنترل قضایی» و «کنترل سیاسی» برای صیانت از قانون اساسی وجود دارد که کشور عراق از طریق نخست بهره برده است و در این رابطه نیز دادگاه خاصی را تاسیس نموده که حکم آن به طور مطلق برای همه محاکم لازم الاجراء تلقی می‌گردد.^(۲۲)

نکته نخست در رابطه با نظارت دادگاه عالی فدرال اینکه نصّ ماده ۹۲ قانون اساسی^(۲۳) دارای اطلاق بوده و لذا همه قوانین و مقررات را شامل می‌شود. بر همین اساس، نظارت دادگاه عالی فدرال شامل همه قوانین و مقرراتی که قبل از قانون اساسی سال ۲۰۰۵ میلادی به تصویب رسیده‌اند نیز می‌گردد؛ مضاف بر اینکه ماده ۱۲۶ قانون اساسی سال ۲۰۰۵ میلادی نیز تصریح می‌نماید «قوانینی که طبق این قانون اساسی لغو یا نسخ نشده‌اند، لازم الاجراء باقی می‌مانند.» (بهجت یونس، ۲۰۰۸: ۱۳)

نکته دوم اینکه علی‌رغم وجود اطلاق فوق‌الذکر، نظارت دادگاه عالی فدرال در بررسی مطابقت قوانین با قانون اساسی صرفاً در سطح دولت مرکزی اتحادیه صورت می‌پذیرد و در سطح مناطق این مهم تحقق نمی‌یابد و از آن به عنوان یکی از نقص‌های کارکردی دادگاه عالی فدرال یاد شده است. (محمدتوفیق و احمد عبد...، ۲۰۱۰: ۳۸۳)

نکته شایان توجه آخر اینکه «نظارت بر مطابقت قوانین با احکام اسلامی» ذیل وظایف و اختیارات دادگاه عالی فدرال عنوان نشده است و این در حالی است که ماده ۲ قانون اساسی دائم عراق^(۲۴)، اسلام را دین رسمی کشور و منبع قانون‌گذاری معرفی کرده و فراتر از آن، تدوین قوانین مغایر با «احکام ثابت اسلامی» را بدون اعتبار تلقی نموده است.^(۲۵) در عین حال به نظر می‌رسد که با توجه به اطلاق صلاحیت دادگاه عالی فدرال در نظارت بر مطابقت قوانین با «قانون اساسی» می‌توان چنین اختیار و وظیفه‌ای را نیز برای دادگاه عالی فدرال مفروض دانست؛ چرا که عدم جواز به تدوین قوانین مغایر با احکام ثابت اسلامی، هرچند که به طور مستقیم به نهاد مسئول آن اشاره

نشده است، حکمی از قانون اساسی است و دادگاه عالی نیز به طور کلی از صلاحیت نظارت بر مطابقت قوانین با «قانون اساسی» برخوردار است که مفاد مندرج در ماده ۲ قانون اساسی را نیز دربرمی گیرد و لذا به نظر می رسد که می توان این مسئله را در قلمرو صلاحیت دادگاه عالی فدرال در نظر گرفت.

در این خصوص مواد ۳، ۴، ۵ و ۶ آیین نامه داخلی دادگاه عالی فدرال مصوب سال ۲۰۰۵ میلادی، طرق ارجاع موضوع به دادگاه عالی فدرال را تبیین نموده است: ماده ۳ آیین نامه داخلی دادگاه عالی فدرال، این حق را برای قضات محاکم قائل شده که به هنگام رسیدگی به دعاوی، در صورت مواجهه با قانون یا مقرّهای که نسبت به مطابقت آن با قانون اساسی تردید دارند، بررسی عدم مغایرت قانون یا مقرّره مزبور با قانون اساسی را صرف نظر از مصلحت طرفین دعوی در موضوع در حال جریان، از دادگاه عالی فدرال درخواست نمایند و در این صورت قاضی مزبور ملزم است که درخواست خود را همراه با مستندات و دلایل آن به دادگاه عالی فدرال ارسال نماید.

در عین حال، چنین حقی نیز برای طرفین دعوی در نظر گرفته شده است؛ طبق ماده ۴ آیین نامه داخلی دادگاه عالی فدرال، هر یک از طرفین می تواند با تقدیم دادخواستی به قاضی دادگاه مبنی بر عدم مطابقت قانون یا مقرّره مورد بحث با قانون اساسی، رسیدگی به این مسئله را درخواست نماید که در صورت پذیرش آن از سوی قاضی، درخواست مزبور همراه با دلایل و مستندات به دادگاه عالی فدرال ارسال می گردد و رسیدگی به دعوای اصلی نیز تا زمان صدور رای از سوی دادگاه عالی فدرال متوقف می گردد. لازم به ذکر است که در صورت عدم پذیرش این مسئله از سوی قاضی دادگاه، طرف مدّعی مغایرت می تواند با استناد به ذیل همین ماده نسبت به آن در دادگاه عالی فدرال اعتراض نماید.

صورت دیگر در ارجاع موضوع به دادگاه عالی فدرال حالتی است که طبق ماده ۵ آیین نامه داخلی دادگاه عالی فدرال، در رابطه با مطابقت قانون یا مقرّهای با قانون اساسی اختلافی بین یکی از مقامات رسمی با یکی دیگر از مقامات پدیدار شود. بدین سان، در صورت تایید وزیر یا ریاست سازمان مربوطه، درخواست رسیدگی همراه با دلایل و مستندات آن، به دادگاه عالی فدرال ارسال می گردد.

آخرین طریق در ارجاع موضوع به دادگاه عالی فدرال، وفق ماده ۶ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال امکان‌پذیر می‌باشد که طبق ماده مذکور افراد ثالث نیز در صورت دارا بودن شرایط ذیل می‌توانند درخواست رسیدگی خود را به دادگاه عالی فدرال ارسال نمایند: (۲۶)

مدّعی در موضوع دعوی دارای نفع مستقیم باشد؛ (به عبارت دیگر، مدّعی از نصّی که الغاء آن مدّ نظر است، به طریقی بهره‌مند گردد.)
مدّعی دلیلی ارائه دهد که از ناحیه دعوای مزبور ضرری واقعی به او وارد آمده است؛

ضرر به طور مستقیم و مستقل وارد شده باشد و در صورت حکم به عدم مطابقت با قانون اساسی، امکان برطرف کردن آن وجود داشته باشد؛
ضرر موهوم و مجهول نباشد؛
نصّی که الغاء آن مدّ نظر است، در حال حاضر علیه مدّعی اعمال شده باشد و یا اعمال آن در دستور کار باشد.

به‌ترتیب پس از ارجاع موضوع به دادگاه عالی فدرال، قضات دادگاه رسیدگی را شروع نموده و در نهایت حکم به «مطابقت با قانون اساسی» یا «عدم مطابقت با قانون اساسی» (۲۷) می‌دهند.

همان‌گونه که بیان شد، حکم صادره از سوی دادگاه عالی فدرال برای همه قوا قطعی و الزام آور است، و در همین رابطه برخی از حقوق‌دانان اظهار داشته‌اند که حکم عدم مطابقت با قانون اساسی، «کاشف» از مخالفت قانون یا مقرّره مورد نظر با قانون اساسی می‌باشد و نه «منشا» و «سبب» مخالفت با آن؛ بدین‌ترتیب، اثر حکم الغاء به تاریخ صدور قانون یا مقرّره مزبور برگشته و عطف بما سبق می‌گردد. (بهجت یونس، ۲۰۰۸: ۲۴)

یک نمونه از پرونده‌های ارجاعی به دادگاه عالی فدرال طبق این مقرّرات، پرونده شماره ۱۰ مورخ سال ۲۰۰۶ است که طی آن دیوان عالی استیناف جمهوری عراق (۲۸) بررسی مطابقت ماده ۲۰ قانون بازنشستگی سال ۲۰۰۶ را که مقرر می‌نماید «مدّعی و مدّعی‌علیه می‌توانند به تصمیم کمیسیون بررسی امور بازنشستگان در هیئت عمومی شورای دولتی اعتراض کنند.» (۲۹) را با قانون اساسی درخواست نموده است؛ دیوان

این گونه استدلال نموده بود که ماده ۴۵ قانون اساسی مبنای عملکرد قوای فدرال (قوه مقننه، مجریه و قضائیه) را اصل تفکیک قوا عنوان نموده است. حال آنکه شورای دولتی به وزارت دادگستری مربوط می‌شود و اعضاء غالب آن از غیر قضات تشکیل شده است و لذا جزء تشکیلات قوه قضائیه به حساب نیامده و ذیل قوه مجریه قرار دارد و امکان تجدیدنظرخواهی نزد آن، تفکیک قوا را خدشه دار می‌نماید.

بدین سان پس از بررسی دلایل و مستندات که توسط دیوان عالی استیناف ارسال شده بود و ملاحظه جنبه‌های مختلف مسئله، دادگاه عالی فدرال اظهار داشت که کمیسیون بررسی امور بازنشستگان، کمیسیونی خاص است که به موجب قانون بازنشستگی برای رسیدگی به امور بازنشستگان دولت تشکیل شده است و تصمیمات آن تصمیماتی اداری و نه قضائی است و در نتیجه بر مطابقت ماده مذکور با قانون اساسی صحه گذاشت.^(۳۰)

۲-۳ تفسیر قانون اساسی

مسئله تفسیر قانون اساسی توسط دادگاه عالی فدرال در قانون اداره دولت برای دوره انتقالی و نیز قانون دادگاه عالی فدرال ذکر نشده بود و در واقع به موجب قانون اساسی سال ۲۰۰۵ جمهوری عراق به عنوان یکی از مهمترین کارویژه‌های دادگاه عالی فدرال به حساب آمده است. مساله قابل توجه اینکه در قانون اساسی نسبت به اینکه چه کسانی اختیار درخواست از دادگاه عالی فدرال را دارند، تعیین تکلیف نشده است و در حال حاضر چنین درخواست‌هایی از قوای مجریه، مقننه و قضائیه به دادگاه عالی فدرال ارجاع می‌گردد و دادگاه مذکور نیز در تفسیر قانون اساسی به بند دوم ماده ۹۲ قانون اساسی استناد می‌نماید. (ناصر المحنّه، ۲۰۰۸: ۱۲۸)

وجود برداشت‌های متفاوت از مواد قانون اساسی که سبب پدیداری آثار متناقضی در عمل می‌گردد، وجود ابهام در اجرای مواد قانون اساسی و نیز ابهام قضات دادگاه‌های عادی در فهم نصوص قانونی نیاز به تفسیر قانون اساسی را ضروری می‌نماید. دادگاه عالی فدرال نیز برای برطرف کردن ابهامات و ارائه تفسیر واحد از قانون اساسی به تفسیر آن مبادرت می‌ورزد و در این رابطه ملزم است که از هر گونه جهت‌گیری سیاسی یا درنظرگرفتن مصلحت خاص دوری نماید. (ناجی، ۲۰۰۷:

به عنوان مثال، معاون رئیس جمهور عراق در سال ۲۰۰۷ میلادی در خصوص بند هشتم ماده ۷۳ قانون اساسی^(۳۱) (صلاحیت‌های رئیس جمهور) از دادگاه عالی فدرال سوال می‌نماید که آیا ماده مزبور دادگاه جنائی را نیز شامل می‌شود و تأیید احکام اعدام صادره از آن بر عهده رئیس جمهور می‌باشد یا خیر؟ که دادگاه عالی فدرال استدلال نموده که با توجه با اطلاق ماده ۷۳ قانون اساسی، چنین وظیفه‌ای مشروط به رعایت قانون مربوط به دادگاه جنائی عراق^(۳۲) بر عهده رئیس جمهور می‌باشد.^(۳۳)

همچنین قابل توجه است که دادگاه عالی فدرال در موارد بسیاری درخواست‌های ارجاع شده جهت ارائه تفسیر را رد کرده و اظهار نظر خود را منوط به اقامه دعوی طبق آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال می‌نماید؛ به عنوان نمونه، قانون اساسی در خصوص توزیع و تقسیم درآمدها و عواید نفتی ابهاماتی دارد^(۳۴) و وزیر نفت عراق در تاریخ ۲۰۱۲/۹/۲۷ میلادی درخواست خود را به دادگاه عالی فدرال ارسال می‌کند و مقرر می‌دارد که «اولاً تفسیر ماده ۱۱۲ قانون اساسی^(۳۵) چیست؟ و ثانیاً آیا با توجه به دلالت ماده ۱۱۲ قانون اساسی، منطقه کردستان بدون رجوع به دادگاه عالی فدرال مجاز به انعقاد قرارداد با شرکت‌های بیگانه یا سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفتی یا صادرات نفت خام یا مشتقات آن می‌باشد؟» اما دادگاه عالی فدرال در تصمیم خود اظهار می‌دارد که فرض مذکور اختلافی بین وزارت نفت و مقامات منطقه کردستان بوده و لذا رسیدگی به آن مستلزم اقامه دعوی وفق ماده ۱ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال می‌باشد.^(۳۶) (در ادامه به توضیح ماده ۱ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال پرداخته می‌شود.)

نکته درخور تأمل دیگر اینکه دادگاه عالی فدرال در ارائه تفسیر، صرفاً به مواد قانون اساسی اکتفا نمی‌کند و هر چند که در قانون اساسی عبارت «تفسیر مواد قانون اساسی»^(۳۷) مورد تصریح قرار گرفته است، به تفسیر قوانین عادی نیز مبادرت می‌ورزد.^(۳۸) (ناصر المحنّه، ۲۰۰۸: ۱۳۰) به عنوان مثال می‌توان به تفسیر دادگاه عالی فدرال در خصوص بند ۶ ماده ۱ قانون بازنشستگی مصوب سال ۲۰۰۶ میلادی اشاره نمود که متعاقب درخواست شورای عالی قضاوت عراق در تاریخ ۲۰۰۶/۵/۳ صورت پذیرفت.^(۳۹)

«نظام فدرالی»^(۴۰) برای اولین بار^(۴۱) در قانون موقت عراق مصوب سال ۲۰۰۴ میلادی (قانون اداره دولت برای دوره انتقالی) به رسمیت شناخته شد^(۴۲) و یکی از موارد مهم اختلافی در قانون مذکور بوده است که به هر ترتیب^(۴۳) در قانون اساسی دائم عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی نیز مورد تصویب نهایی قرار گرفت و به منطقه کردستان به عنوان اولین منطقه فدرال رسمیت بخشید^(۴۴) و ایجاد مناطق جدید دیگر بر اساس احکام قانون اساسی را قانونی قلمداد نمود.^(۴۵)

در این رابطه، ماده ۱۱۶ قانون اساسی دائم عراق مقرر نموده است که «نظام فدرال جمهوری عراق متشکل از یک پایتخت و چند منطقه و استان غیرمرکزی و ادارات محلی است». ماده ۱۰۷ قانون اساسی وظایف و اختیارات اختصاصی مقامات فدرال را احصاء نموده و در ماده ۱۱۰ نیز صلاحیت‌های مشترک مقامات فدرال و مقامات مناطق بیان شده است؛ همچنین وفق ماده ۱۱۱ قانون اساسی هر آنچه در صلاحیت‌های انحصاری مقامات فدرال مورد تصریح قرار نگرفته است، در صلاحیت مقامات مناطق قرار دارد.

نکته قابل ملاحظه اینکه قانون اساسی عراق اختیارات قانون‌گذاری، اجرائی و قضائی گسترده‌ای را به مناطق واگذار نموده و حتی در بند دوم ماده ۱۱۷ قانون اساسی اختیار اصلاح قوانین نیز به مناطق اعطا شده است: «مقامات مناطق می‌توانند در اجرای قوانین فدرال در هر منطقه، در صورتی که بین قانون فدرال و قانون هر منطقه در خصوص مسائلی که در اختیارات انحصاری مقامات فدرال است تداخل نشود، اصلاحاتی ایجاد کنند».^(۴۶)

بنابراین، در نظام عدم تمرکز اداری جمهوری عراق سه سطح قابل طرح می‌باشد؛ در سطح نخست و عالی‌ترین نوع آن، دولت فدرال قرار دارد که در حدود صلاحیت‌های انحصاری مندرج در ماده ۱۱۰ قانون اساسی عراق و نیز عدم مغایرت با دیگر مواد قانون اساسی از اختیارات اجرائی و قانون‌گذاری در راستای تنظیم امورات فدرال برخوردار می‌باشد. در سطح دوم، مناطق وجود دارند که از اختیارات اجرائی و قانون‌گذاری در راستای امورات منطقه مربوطه برخوردار می‌باشند و نفوذ اعمال اختیارات مزبور در صورتی است که اولاً در حدود اختیارات منطقه باشد و ثانیاً در تعارض با قانون اساسی و داخل در حوزه اختیارات انحصاری دولت فدرال نیز

نباشد. سطح سوم نیز مربوط است به استان‌ها که شورای هر استان از صلاحیت‌های مالی و اداری در تنظیم امورات استان برخوردار است^(۴۷)؛ اِعمال اختیارات استان‌ها نیز در صورتی نافذ است که اولاً از اختیارات برای خارج از حدود استان مزبور استفاده نشده باشد و ثانیاً در تعارض با قانون اساسی و قوانین دولت فدرال نیز نباشد. نکته دیگر اینکه طبق ماده ۱۱۸ قانون اساسی عراق، اختیارات مالی و اداری استان‌ها بر اساس قانون عادی مشخص می‌گردد و در این رابطه قانون شماره ۲۱ در سال ۲۰۰۸ میلادی^(۴۸) به تصویب رسیده است و لذا سومین شرط در اینکه اِعمال اختیارات استان‌ها نافذ باشد این است که مخالف با قانون مذکور نیز نباشند. (المحامی، ۲۰۰۹: ۲)

اما مسئله لازم به ذکر اینکه صیانت از مقررات قانون اساسی در خصوص نظام فدرالیسم برای بقا و دوام کشور بسیار حیاتی است، چراکه همواره این خطر وجود دارد که استقلال‌طلبی مناطق و میل به جدایی آن‌ها از پیکره حکومت فدرال، به اضمحلال و شکست آن منتهی شود و کشور را با چالش جدی مواجه نماید. در قانون اساسی عراق نیز برای حفظ وحدت و انسجام ملی، سیاسی و حقوقی کشور به چگونگی ارتباط نهادهای حکومت توجه خاص شده است و برای نیل به این مهم، دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق طبق احکام ماده ۹۲ قانون اساسی مطمح نظر قرار گرفته است. به عبارت دیگر، وجود چنین حیطه اختیارات وسیعی، امکان به‌وجود آمدن اختلافات در سطوح مختلف اتّحادیه را کاملاً ممکن می‌سازد و بدین ترتیب، نقش دادگاه عالی فدرال را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌نماید و بر همین اساس نیز دادگاه عالی فدرال، اختلافاتی که به شرح ذیل امکان پدیداری دارند را حل و فصل می‌نماید:

اختلافات ناشی از اجرای قوانین فدرال، تصمیمات، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های صادره از دولت مرکزی (بند سوم ماده ۹۲)؛

اختلافات بین دولت فدرال و دولت‌های مناطق، شورای استان‌ها، شهرداری‌ها و ادارات محلی (بند چهارم ماده ۹۲)؛

اختلافات بین دولت‌های مناطق و شورای استان‌ها (بند پنجم ماده ۹۲)؛

اختلافات بین سازمان‌های قضایی فدرال و سازمان‌های قضایی مناطق و استان‌های

خارج از مناطق (جزء نخست بند هشتم ماده ۹۲)
 اختلافات صلاحیتی بین سازمان‌های قضایی مناطق و استان‌های خارج از مناطق
 (جزء دوم بند هشتم ماده ۹۲)

بنابراین در هر یک از موارد فوق الذکر، در صورت ارجاع موضوع محل اختلاف به دادگاه عالی فدرال، رسیدگی مقتضی صورت پذیرفته و در نهایت نیز رای صادره در این رابطه برای طرفین لازم الاتباع خواهد بود.

لازم به توضیح است که مواد ۱ و ۲ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال نیز شرایط اقامه دعوی در خصوص چنین اختلافاتی را مطرح کرده است؛ طبق بند اول ماده ۱ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال، مدعی موظف است که ضمن اقامه دعوی خود نزد دادگاه عالی فدرال که مستندات ادعای مزبور نیز باید در آن درج شده باشد، نسخی از دعوی اقامه شده مزبور که مطابقت با اصل آن مورد تایید قرار گرفته را به تعداد مدعی‌علیه‌هم ضمیمه درخواست خود نماید. طبق بند دوم ماده مزبور، در صورتی که مستندات دعوی ارائه نگردد، درخواست مزبور مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و طبق بند سوم همین ماده، در صورت رعایت شرایط فوق الذکر تاریخ اقامه دعوی ثبت شده و شماره پرونده به مدعی ارائه می‌گردد.

در بند نخست ماده ۲ نیز به این مسئله اشاره شده که درخواست مزبور به همراه مستندات آن به طرف دعوی ابلاغ می‌شود و وی موظف است که در مدت ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ، پاسخ خود در این خصوص را به طور کتبی به دادگاه عالی فدرال ارسال نماید. بدین ترتیب پس از ابلاغ مزبور و ارائه پاسخ از سوی طرف دعوی یا پس از اتمام مهلت ۱۵ روز و عدم ارائه پاسخ از سوی طرف دعوی، که البته پس از مدت مزبور دادگاه عالی پاسخی را نیز از طرف مزبور قبول نمی‌کند، موعدی برای رسیدگی تعیین می‌گردد و دادگاه عالی فدرال تصمیم مقتضی را صادر می‌نماید.

۳-۴ رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء

بند ششم ماده ۹۲ قانون اساسی جمهوری عراق، رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء را در صلاحیت دادگاه عالی فدرال عنوان کرده است و کیفیت و ترتیبات رسیدگی به این اتهامات را به قانون عادی احاله نموده

است^(۴۹) که چنین قانونی هنوز به تصویب مجلس نمایندگان جمهوری عراق نرسیده است.

نکته قابل تأمل در این خصوص اینکه از یکسو طبق ماده ۹۳ قانون اساسی تصمیمات دادگاه عالی فدرال، قطعی و نهائی عنوان شده است و از سوی دیگر بند ۶ ماده ۶۱ مقرر می‌نماید که «برکناری رئیس جمهور با رای اکثریت اعضاء مجلس نمایندگان پس از محکومیت وی در دادگاه عالی فدرال به یکی از علل ذیل صورت می‌پذیرد: نقض سوگند، نقض قانون اساسی و خیانت بزرگ». و بدین ترتیب، حکم دادگاه عالی فدرال منوط به تایید اکثریت مطلق اعضاء مجلس نمایندگان می‌باشد که این مسئله با بند ۶ ماده ۹۲ قانون اساسی که رسیدگی مزبور را در صلاحیت دادگاه عالی فدرال دانسته و اینکه تصمیمات دادگاه عالی فدرال نیز به موجب ماده ۹۳ قانون اساسی قطعی و نهائی تلقی می‌گردد، در تعارض به نظر می‌رسد. (محمدتوفیق و احمد عبدالم...، ۲۰۱۰: ۳۸۵)

۳-۵- تایید نتایج انتخابات عمومی مجلس نمایندگان

طبق تصریح بند هفتم ماده ۹۲ قانون اساسی، تایید نتایج انتخابات مجلس نمایندگان بر عهده دادگاه عالی فدرال می‌باشد و وفق ماده ۹۳ قانون اساسی با تایید آن، نتایج انتخابات به صورت قطعی و نهائی تلقی می‌گردد. بدین ترتیب، عنوان «نماینده» در صورتی بر منتخبین قابل اطلاق می‌باشد که دادگاه عالی فدرال بر انتخابات مزبور صحه بگذارد و بر همین اساس نیز ماده ۵۲ قانون اساسی بیان داشته است: «رئیس جمهور، پانزده روز پس از تایید نتایج انتخابات عمومی با صدور حکمی خواستار تشکیل جلسه مجلس خواهد شد». علاوه بر این ماده ۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس نمایندگان^(۵۰) نیز تصریح می‌دارد: «نامزد منتخب از تاریخ تایید نتایج انتخابات به عنوان عضوی از نمایندگان مجلس به حساب آمده و از حقوق نمایندگی برخوردار می‌گردد».

۳-۶- رسیدگی به اعتراض نمایندگان مجلس در خصوص اعتبارنامه اعضاء

طبق ماده ۵۲ قانون اساسی عراق^(۵۱) مجلس نمایندگان با اکثریت دو سوم اعضاء، در خصوص صحّت عضویت نمایندگان تا ۳۰ روز پس از ثبت اعتراض تصمیم‌گیری

می‌نماید که اعتراض به این تصمیم از زمان تاریخ صدور تصمیم مجلس به مدت ۳۰ روز در دادگاه عالی فدرال امکان‌پذیر می‌باشد.

۳-۷ تجدیدنظرخواهی از تصمیمات دادگاه‌های اداری در اجرای قانون تابعیت

ماده ۱۹ قانون تابعیت مصوب سال ۲۰۰۶ میلادی^(۵۲) که با استناد به ماده ۳۳ قانون اداره کشور عراق برای دوره انتقالی تدوین شده است، رسیدگی به دعاوی ناشی از اجرای قانون مزبور را به دادگاه‌های اداری واگذار نموده است. در ماده ۲۰ قانون مذکور نیز تجدیدنظرخواهی از تصمیمات دادگاه‌های اداری فوق‌الذکر در صلاحیت دادگاه عالی فدرال قرار گرفته است^(۵۳) و بدین ترتیب یکی دیگر از صلاحیت‌های دادگاه عالی فدرال تجدیدنظرخواهی از تصمیمات دادگاه‌های اداری مزبور می‌باشد که ماده ۷ آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال به این مسئله اشاره نموده است.^(۵۴)

۴- دادگاه عالی فدرال و حمایت از حقوق و آزادی‌ها

در قانون اساسی عراق به حقوق و آزادی‌هایی چون حق برخورداری از زندگی، امنیت و آزادی، برابری فرصت‌ها، ممنوعیت تبعیض، آموزش رایگان، آزادی اندیشه و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و... پرداخته شده است که ضمانت از چنین حقوق و آزادی‌هایی با توجه به صلاحیت نظارتی دادگاه عالی فدرال طبق بند نخست ماده ۹۲ مبنی بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی بر عهده این دادگاه می‌باشد و دادگاه عالی فدرال نیز در موارد متعددی با حکم به عدم مطابقت قوانین و مقررات با قانون اساسی به صیانت از حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی مبادرت نموده است. به عنوان مثال، ماده ۲۳ قانون اساسی به حق مالکیت افراد تصریح نموده است و بر همین اساس نیز دادگاه عالی فدرال در تاریخ ۲۰۰۷/۷/۲ میلادی، تصمیم شماره ۱۳۹ سال ۱۹۸۲ میلادی شورای فرماندهی انقلاب منحل‌شده^(۵۵) را با این استدلال که تصمیم مزبور مخالف ماده ۲۳ قانون اساسی^(۵۶) است و ملکیت خصوصی را بدون دلیل قانونی از فرد سلب می‌نماید، ابطال نمود.^(۵۷)

همچنین لازم به ذکر است که ماده ۲ قانون اساسی دائم عراق نیز به صراحت تدوین قوانین مغایر با «اصول دموکراسی» و «حقوق و آزادی‌های سیاسی مندرج در قانون اساسی» را مجاز قلمداد ننموده است و لذا دادگاه عالی فدرال می‌تواند با توجه

به اطلاق صلاحیت نظارت بر مطابقت قوانین با «قانون اساسی» و اینکه احکام مزبور نیز جزئی از قانون اساسی می‌باشند به صیانت از حقوق و آزادی‌ها مبادرت بورزد. مسئله لازم به ذکر اینکه در حال حاضر قوانین و مقررات بسیاری در نظام حقوقی جمهوری عراق وجود دارند که سابق بر قانون اساسی دائم عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی در عراق به تصویب رسیده‌اند که با قانون اساسی مزبور در تعارض می‌باشند و به دلیل فقدان درخواست رسیدگی، مورد بررسی دادگاه عالی فدرال نیز قرار نگرفته‌اند و لذا بسیاری از قوانین و مقررات مزبور وفق ماده ۱۳۰ قانون اساسی دائم عراق که مقرر می‌دارد «قوانینی که در این قانون لغو یا اصلاح نشده‌اند، نافذ باقی می‌مانند». لازم الاجراء باقی مانده‌اند. (محمدتوفیق و احمد عبد...، ۲۰۱۰: ۳۸۷) در واقع، اینکه دادگاه عالی فدرال نمی‌تواند به صورت مستقیم (بدون وجود درخواست رسیدگی) در چنین مواردی ورود نماید،^(۵۸) از نقش دادگاه عالی فدرال در حمایت از حقوق و آزادی‌ها می‌کاهد.

به عنوان مثال، از یک‌سو ماده ۱۴ قانون اساسی به حق تساوی افراد در برابر یکدیگر اشاره نموده است^(۵۹) و از سوی دیگر، تصمیم شماره ۱۲۰ سال ۱۹۹۲ میلادی و اصلاحیه آن به شماره ۱۲۴ سال ۱۹۹۳ میلادی از سوی شورای فرماندهی انقلاب منحل شده^(۶۰)، ماده ۱۴ را نقض می‌نماید و به دلیل فقدان درخواست رسیدگی، در حال حاضر نیز همچنان لازم الاجراء می‌باشد.

۵ - مقایسه دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق و شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

مسئله قابل ملاحظه در وهله نخست اینکه دادگاه عالی فدرال ذیل قوه قضائیه جمهوری عراق به اعمال وظایف و اختیارات خود مبادرت می‌ورزد و در نتیجه نیز در رسیدگی به مطابقت یا عدم مطابقت قوانین با قانون اساسی روش کنترل قضائی را اتخاذ می‌نماید و لذا رسیدگی دادگاه عالی فدرال منوط به درخواست بررسی از سوی قضات دادگاه‌های دیگر یا افراد ذیصلاح می‌باشد. درعین حال، شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهادی مستقل که اصل ۹۱ قانون اساسی علت اصلی تشکیل آن را تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی از

نظر عدم مغایرت ذکر نموده است^(۶۱)، برخلاف دادگاه عالی فدرال عراق در مقام نظارت از روش کنترل سیاسی بهره برده و به صورت پیشینی^(۶۲) به این مهم می‌پردازد و حتی به عنوان یکی از مهمترین تفاوت‌ها، مصوبات مجلس شورای اسلامی در مقام قانون‌گذاری نیز بدون تأیید این شورا اعتبار قانونی نمی‌یابند.^(۶۳)

مساله قابل ملاحظه دیگر در خصوص نقش این دو نهاد در خصوص انتخابات می‌باشد که دادگاه عالی فدرال صرفاً در خصوص انتخابات مجلس نمایندگان ایفای نقش می‌نماید و نامزدهای منتخب بدون تأیید آن، نماینده مجلس محسوب نمی‌شوند؛ درعین حال طبق اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی از صلاحیت نظارتی برخوردار می‌باشد.

صدور نظریات تفسیری نیز در ذیل وظائف و اختیارات هر دو نهاد وجود دارد که متعاقب ارائه درخواست مبتنی بر تفسیر قانون اساسی از سوی مراجع ذیصلاح اعمال می‌گردد.

رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء و تجدیدنظرخواهی از تصمیمات دادگاه‌های اداری در اجرای قانون تابعیت عراق نیز در زمره اختیارات دادگاه عالی فدرال قرار دارند و در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نهادهای دیگری چنین صلاحیت‌های را بر عهده دارند. همچنین، از دیگر اختیارات مهم دادگاه عالی فدرال می‌توان به نقش آن در تنظیم قوای فدرال اشاره نمود که با توجه به ساختار حکومتی ایران، این مسئله موضوعاً منتفی می‌باشد.

در نهایت نیز جدول ذیل اهمّ وظایف و اختیارات شورای نگهبان و دادگاه عالی فدرال عراق را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲: مقایسه شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران و دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق

عراق	ایران
تاریخ تاسیس	سال ۱۳۵۸ هجری شمسی
تعداد اعضاء	۹ قاضی
نحوه انتخاب اعضاء	انتخاب رئیس جمهور عراق
	با معرفی شورای عالی قضائی عراق
	۶ فقیه با انتخاب مقام رهبری
	۶ حقوقدان با معرفی رئیس قوه قضائیه و

انتخاب مجلس شورای اسلامی		
مواد قانونی مربوطه	مواد ۹۱ تا ۹۳ قانون اساسی دائم عراق	اصول ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی ج ۱ ایران
مدت عضویت اعضا	مادام العمر	۶ سال و امکان عضویت مجدد
امکان عزل	در صورت محکومیت ناشی از فساد اخلاق (استعفاء بدون موافقت رئیس جمهور نیز در حکم عزل است).	فقها توسط رهبری قابل عزل اند. قانون در خصوص حقوقدانان ساکت است.
امکان جمع عضویت با مشاغل دیگر	در قوانین مورد اشاره قرار نگرفته است.	حقوقدانان غیر از سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ممنوع می‌باشد. در مورد فقها به این ممنوعیت اشاره نشده است.
صلاحیت‌ها (موارد اصلی)	۱ نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی ۲ تفسیر قانون اساسی ۳ بیفای نقش داوری در حل و فصل اختلافات نهادهای اتحادیه ۴ تأیید نتایج انتخابات عمومی مجلس نمایندگان ۵ رسیدگی به اتهامات وارده به رئیس جمهور، نخست وزیر و وزراء	۱ تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با شرع (توسط فقها) و قانون اساسی (توسط کل اعضا) ۲ نظارت بر انتخابات ۳ تفسیر قانون اساسی
شیوه دادرسی اساسی	روش کنترل قضائی	روش کنترل سیاسی
نحوه رسیدگی به مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی	پسینی و صرفاً در صورت درخواست رسیدگی	نظارت قانون اساسی: پیشینی (قبل از اعتبار قانونی یافتن مصوبات) نظارت شرعی: هم پیشینی و هم پسینی
نحوه شروع به تفسیر قانون اساسی	در قوانین مورد اشاره قرار نگرفته است.	با ارجاع مقام رهبری و یا درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس قوه قضاییه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان
اعتبار تصمیمات	عام الشمول، قطعی و لازم الاجراء	عام الشمول، قطعی و لازم الاجراء

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی

دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق، نهادی نوپا در نظام حقوقی کشور عراق می‌باشد که در دوران اشغال نظامی در سال ۲۰۰۳ میلادی و با استناد به قانون اداره کشور عراق برای دوره انتقالی تأسیس گردید و در قانون اساسی دائم عراق در سال ۲۰۰۵ میلادی نیز با تغییراتی به عنوان عالی‌ترین مرجع دادرسی اساسی به رسمیت شناخته شد.

نکته قابل ملاحظه در این خصوص اینکه وفق ماده ۹۱ قانون اساسی دائم عراق، «دادگاه عالی فدرال از تعدادی قاضی، کارشناس فقه اسلامی و کارشناس حقوقی تشکیل می‌گردد که تعداد، روش انتخاب آن‌ها و فعالیت دادگاه بر اساس قانونی که با اکثریت دو سوم اعضای مجلس نمایندگان تدوین می‌شود، تعیین می‌گردد». و علی‌رغم چنین تصریحی، قانون مزبور هنوز مورد تصویب مجلس نمایندگان قرار نگرفته و بدین ترتیب نیز دادگاه مزبور بر مبنای قانون سابق (قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال) به فعالیت خود عمل می‌نماید که چنین مسئله‌ای علاوه بر اینکه مشروعیت دادگاه عالی فدرال را تحت الشعاع قرار داده است، ساختار فعلی آن را نیز که بر اساس قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال شکل یافته، در تضاد با ماده ۹۱ قانون اساسی دائم عراق قرار داده است.

دادگاه عالی فدرال از گستره صلاحیت‌های وسیعی برخوردار است که یکی از مهمترین صلاحیت‌های آن، نظارت بر مطابقت قوانین و مقررات با قانون اساسی می‌باشد. دادگاه عالی فدرال، به صورت پسینی و متعاقب درخواست‌های رسیدگی به دعای ورود نموده و پس از بحث و بررسی رای خود را صادر می‌نماید و در این رابطه تمامی قوانین و مقررات کشور عراق از سوی دادگاه مزبور قابل رسیدگی می‌باشند و بدین صورت نیز از حقوق و آزادی‌های مندرج در قانون اساسی صیانت می‌شود.

حل و فصل اختلافات نهادهای اتحادیه عراق و تفسیر قانون اساسی نیز از دیگر وظایف قابل توجه دادگاه عالی فدرال می‌باشند که بدین سان حفظ وحدت و انسجام ملی، سیاسی و حقوقی کشور عراق، جلوگیری از اضمحلال اتحادیه، ممانعت از سلیقه‌ای عمل نمودن به قانون اساسی و رفع ابهامات موجود در قانون اساسی از این طرق تضمین شده است.

منابع و مآخذ

الف - فارسی

- احمدی، فرج ا... و قزوینی حائری، یاسر (۱۳۸۹)، «فرآیند تدوین قانون اساسی عراق»، فصل‌نامه سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۹-۳۷
- افشون، تورج (۱۳۸۵)، «دیدگاه‌های مختلف در فرآیند تصویب قانون اساسی عراق»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، ۴۳-۵۴
- ستّاری، الهام (۱۳۸۳)، «مثبت و منفی در قانون اساسی موقت عراق»، مطالعات خاورمیانه، ۱۵-۲۶
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، حقوق اساسی تطبیقی، حقوق اساسی کشورهای غربی و کشورهای اسلامی، نشر میزان، چاپ اول
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۲)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم
- کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۲)، «ضرورت پاسداری از قانون اساسی و حقوق شهروندان»، کتاب نقد، سال هفتم، شماره ۲۸، ۲۲۲-۲۳۶
- نادری، محمود (۱۳۸۶)، «چگونگی روند دولت‌سازی در عراق پس از صدام و مایه‌های ناامنی»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۸، ۴۸-۵۵

ب - عربی:

- أدهم عبد الهادی، حیدر (۲۰۰۸)، «قراءات فی الرقابة علی دستوریة تفسیر القوانين»، مجله التشريع و القضاء، السّنة الاولى، العدد الرابع، ۱-۴
- بهجت یونس، مها (۲۰۰۸)، المحکمة الاتحادیه العلیا و اختصاصها بالرقابه علی دستوریة القوانين، کلیة القانون، جامعة بغداد
- حواس الفلاج، منیف (۲۰۰۹)، صلاحيات الحكومة فی الدساتیر العراقية، مجله التشريع و القضاء، السّنة الاولى، العدد الاول، صدر لکانون الثاني، ۲۳-۴۴
- المحامی، حسن العکيلي (۲۰۰۹)، «الاختصاص التشريعی لمجالس

المحافظات في العراق»، مجله التشريع و القضاء، السنة الاولى، العدد الرابع، ٥-١

- محمدتوفيق، بيداء عبدالجواد و احمد عبدا... (٢٠١٠)، دولة، «دور المحكمة الاتحادية في حماية حقوق الإنسان في العراق»، مجلة الرافيدين للحقوق، المجلد ١٣، العدد ٤٩، ٣٦٨-٢٠٣
- ناصر المحنّه، حسن (٢٠٠٨)، الرقابه على دستوريه القوانين، رساله الماجستير، كلية القانون والعلوم السياسية، الاكاديمية العربية في الدانمارك
- ناجي، مكي (٢٠٠٧)، المحكمة الاتحادية العليا في العراق، دار الضياء، العراق: النجف الاشرف
- يعقوبي، على عيسى (٢٠١٢)، «المحكمة الاتحادية العليا في العراق: تكوينها و طبيعته الرقابة التي تمارسها رؤية دستورية»، كلية الحقوق جامعة اوفيرن، كليرمونت فيرون ١ الفرنسية، السنة الرابعة، العدد الرابع، ٩-١
- الجابر، ضياء عبد الله (٢٠١١)، «بدء العضوية البرلمانية»، مركز آدم للدفاع عن الحقوق والحريات، ٤-١

ج - قوانين و مقررات

- دستور جمهورية العراق لسنة ٢٠٠٥
- قانون ادارة الدولة العراقية للمرحلة الانتقالية لسنة ٢٠٠٤
- قانون المحكمة الاتحادية العليا رقم (٣٠) لسنة ٢٠٠٥
- النظام الداخلي للمحكمة الاتحادية العليا رقم (١) لسنة ٢٠٠٥
- قرارات وأحكام واجتهادات المحكمة الاتحادية العليا العراقية، المنشورة في الموقع الالكتروني للمحكمة.

د - انگلیسی

- Robbers, Gerhard (2007), Encyclopedia of World Constitutions, Facts On File Inc., United States of America

ه - پایگاه های اینترنتی

- <http://www.synisys.com/>
- <http://iraqfsc.iq/>
- <http://www.iraqjudicature.org/>

۱. خاندان پادشاهی هاشمی حدود ۳۷ سال در عراق حکومت نمود و در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ به دنبال یک کودتای نظامی توسط عبد الکریم قاسم و عبد السلام عارف سرنگون می گردد که متعاقب آن کودتاچیان عراق، قیام خود را مردمی و سرنگونی نظام سلطنتی را خواست مردم دانسته و عملاً قانون اساسی کشور را ملغی الاثر نمودند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۲۴)

۲. مجلس قیاده الثورة

۳. قانون إدارة الدولة للفترة الانتقالية

۴. قانون اساسی موقت عراق که عنوان صحیحش «قانون اداره کشور عراق برای دوره انتقالی» است، مشتمل بر ۹ فصل و ۶۲ ماده بوده است که اظهارنظرهای موافق و مخالف بسیاری را با خود همراه نمود. (ستاری، ۱۳۸۳: ۱۵) طبق ماده ۱ قانون مزبور، این قانون برای دو مرحله تدوین گشته است: مرحله نخست با تشکیل یک حکومت صاحب حاکمیت که قدرت را در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ میلادی (زمان انتقال قدرت از تشکیلات اشغالگر به عراقی‌ها) به دست می گیرد، آغاز می شود و مرحله دوم پس از برگزاری انتخاب شورای ملی آغاز می گردد که بر اساس نص قانون، حداکثر زمان آن ۳۱ ژانویه ۲۰۰۵ میلادی می باشد. ذیل ماده ۱ مذکور آمده است که بر اساس قانون اساسی دائمی عراق، با تشکیل دولت عراق مرحله دوم دوره انتقالی پایان می پذیرد.

۵. در واقع، بافت جمعیتی عراق چندپارچه و ناهمگون است؛ عراق از دید قومیه مذهبی به دو منطقه تقسیم می شود: الفدیمه جنوبی عراق از بغداد به پایین که بیشتر ساکنان آن عرب های شیعی اند؛ ب نیمه شمالی عراق که عرب های سنی در بخش باختری و کردهای سنی در بخش خاوری آن ساکن اند. از جمعیت ۲۴ میلیونی عراق ۷۱/۱ درصد عرب، ۱۹ درصد کرد و ۲ درصد ترکمن هستند. از این ترکیب ۵۴/۱ درصد را شیعیان، ۳۹/۲ درصد را سنی ها و باقی دیگر را اقلیت هایی مانند مسیحیان، یهودیان، یزیدیان، شبک و صابئین تشکیل می دهند. (نادری، ۱۳۸۶: ۴۸)

۶. لازم به ذکر است که طبق ماده ۱۱۹ قانون اساسی عراق با درخواست یک سوم اعضاء یکی از شوراهای استانی یا یک دهم از نمایندگان هر استان که خواستار تبدیل به منطقه هستند، مناطق به وجود می آیند.

۷. المحكمة الاتحادية العليا

۸. المحكمة العليا

۹. مجلس الاعيان

۱۰. للنظر فی مدى توافق قانون منع الدعايات المضرة رقم (۲۰) لسنة ۱۹۳۸ مع احكام القانون الاساسی.

۱۱. المادة الرابعة والأربعون لقانون إدارة الدولة للفترة الانتقالية: (أ) يجرى تشكيل محكمة في العراق بقانون وتسمى المحكمة الاتحادية العليا.

۱۲. قانون المحكمة الاتحادية العليا في العراق الصادر بموجب الأمر (۳۰) لسنة ۲۰۰۵

۱۳. النظام الداخلي للمحكمة الاتحادية العليا رقم (۱) لسنة ۲۰۰۵

۱۴. المادة ۹ لقانون المحكمة الاتحادية العليا: تصدر المحكمة الاتحادية العليا نظاماً "داخلياً" تحدد فيه الإجراءات التي تنظم سير العمل في المحكمة وكيفية قبول الطلبات وإجراءات الترافع وما يسهل تنفيذ أحكام هذا القانون وينشر هذا النظام في الجريدة الرسمية.

۱۵. المادة ۸۹ للدستور العراقي: ... ثانياً: تتكون المحكمة الاتحادية العليا، من عددٍ من القضاة، وخبراء في الفقه الاسلامي، وفقهاء القانون، يُحدد عددهم، وتنظم طريقه اختياريهم، وعمل المحكمة، بقانون يُسن بأغلبية ثلثي اعضاء مجلس النواب.

۱۶. المادة ۱۲۶ للدستور العراقي: «تبقى التشريعات النافذة معمولاً بها، ما لم تلغ أو تعدل، وفقاً لاحكام هذا الدستور».

۱۷. المادة ۱۳۸ للدستور العراقي: «يلغى قانون ادارة الدولة العراقية للمرحلة الانتقالية و ملحقه عند قيام الحكومة الجديدة، باستثناء ما ورد في الفقرة (أ) من المادة (۵۳) والمادة (۵۸) منه».

۱۸. طبق این پیش‌نویس دادگاه عالی فدرال به عنوان نهاد قضایی مستقلی معرفی شده است که مقر اصلی آن در بغداد می‌باشد. (ماده ۱) این دادگاه متشکل از یک رئیس، یک قائم مقام و ۱۱ عضو به صورت مادام العمر (ماده ۳) و به شرح ذیل می‌باشد: (ماده ۲): الف هیئت قضایی متشکل از: رئیس، قائم مقام و ۷ عضو؛ ب- کمیسیون مشورتی متشکل از ۲ کارشناس فقه اسلامی و ۲ کارشناس حقوقی.

لازم به ذکر است که ماده ۸ این پیش‌نویس تمامی صلاحیت‌هایی که قانون اساسی برای دادگاه عالی فدرال احصاء نموده را مورد تصریح قرار داده است. همچنین ماده ۲۳ پیش‌نویس، قانون شماره ۳۰ دادگاه عالی فدرال را ملغی تلقی نموده و البته آیین‌نامه داخلی دادگاه عالی فدرال را تا صدور آیین‌نامه جدید دارای اعتبار فرض نموده است. علاوه بر این، در ماده ۲۴ نیز نصوص مخالف این قانون را فاقد اعتبار عنوان کرده است.

۱۹. در ماده مزبور تعیین اعضاء به شورای ریاست جمهوری (مجلس الرئاسة) واگذار شده است؛ طبق ماده ۱۳۵ قانون اساسی عراق، احکام ویژه ریاست جمهوری پس از یک دوره اجرای قانون اساسی قابل اعمال خواهد بود و در این مدت، شورای ریاست جمهوری وظایف مزبور را اعمال می‌نماید. (مجلس نمایندگان، رئیس جمهور و دو معاون وی را برمی‌گزینند که این اعضاء شورا را تشکیل می‌دهند.) لذا با توجه با اینکه اجرای یک دوره از قانون اساسی سپری شده است، رئیس جمهور اختیار مذکور را بر عهده دارد.

۲۰. مجلس القضاء الاعلى

۲۱. در این رابطه شایان ذکر است که طبق آمار رسمی سایت دادگاه عالی فدرال (<http://www.iraqfsc.iq>)، تعداد دعای اقامه شده در دادگاه مزبور از زمان تاسیس آن تا تاریخ

۲۰۱۳/۷/۳۱ میلادی، ۵۵۹ مورد بوده است.

۲۲. در طریق دیگر روش کنترل قضائی، تمام محاکم کشور صلاحیت بررسی انطباق و عدم انطباق قوانین با قانون اساسی را دارند و البته حکم صادره صرفاً در همان پرونده مطروحه لازم الاجراء تلقی می‌گردد.

۲۳. المادة ۹۲ للدستور العراقي: «تختص المحكمة الاتحادية العليا بما يأتي: أولاً: الرقابة على دستورية القوانين والانظمة النافذة».

۲۴. المادة ۲ للدستور العراقي: «اولاً: الاسلام دين الدولة الرسمي، وهو مصدر اساس للتشريع: أ: لا يجوز سن قانون يتعارض مع ثوابت احكام الاسلام...»

۲۵. به نظر می‌رسد عدم تصریح به چنین صلاحیتی برای دادگاه عالی فدرال ناشی از ملاحظات سیاسی، اجتماعی و شرایط متزلزل حکومت نوپای عراق باشد. بافت جمعیتی چندپارچه و ناهمگون عراق، اشغال نظامی، تعصبات و افراطی‌گری‌های برخی گروه‌های به ظاهر دینی و... وضعیتی را در عراق پدیدار نمود که این کشور وضعیت باثباتی را به جهت سیاسی تجربه نکرده باشد.

۲۶. لازم به ذکر است که طبق ماده ۶ آیین‌نامه داخلی در ارسال درخواست رسیدگی، رعایت مواد ۴۶، ۴۸ و ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی جمهوری عراق نیز الزامی می‌باشد.

۲۷. الحكم بالدستورية او بعدم الدستورية

۲۸. محكمة التمييز الاتحادية

۲۹. المادة ۲۰ من قانون التقاعد الموحد رقم ۲۷ لسنة ۲۰۰۶: «للمعترض وللمعترض عليه أن يميز قرار لجنة تدقيق قضايا المتقاعدين لدى الهيئة العامة لمجلس شوري الدولة خلال ستين يوماً من تاريخ تبليغه بقرار اللجنة المذكورة ويكون قرار الهيئة العامة الصادر بذلك قطعياً»

۳۰. قرار المحكمة الاتحادية العليا العراقية في الدعوى رقم ۱۰/اتحادية/ في ۲۹/۵/۲۰۰۶ المنشور في الموقع الالكتروني للمحكمة.

۳۱. المادة ۷۳ للدستور العراقي: «يتولى رئيس الجمهورية الصلاحيات الآتية... ثامناً: المصادقة على احكام الاعدام التي تصدرها المحاكم المختصة».

۳۲. قانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۵ النافذ بموجب المادة ۱۳۰ من الدستور.

۳۳. تفسير المحكمة الاتحادية العليا العراقية رقم ۲۱/اتحادية/۲۰۰۷ الصادر بتاريخ ۲۶/۹/۲۰۰۶ المنشور في الموقع الالكتروني للمحكمة.

۳۴. از جمله ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد اینکه آیا درآمدهای نفتی باید برحسب مناطق تقسیم شود یا به نسبت جمعیت مناطق؟ آیا اداره و کنترل این منبع باید در دست دولت مرکزی باشد یا در کنترل مناطق؟ و...

۳۵. المادة ۱۱۲ للدستور العراقي: «اولاً: تقوم الحكومة الاتحادية بادارة النفط والغاز المستخرج من

الحقول الحالية مع حكومات الاقاليم والمحافظات المنتجة، على ان توزع وارداتها بشكلٍ منصفٍ يتناسب مع التوزيع السكاني في جميع انحاء البلاد، مع تحديد حصّةٍ لمدةٍ محددةٍ للاقاليم المتضررة، والتي حرمت منها بصورةٍ مجحفه من قبل النظام السابق، والتي تضررت بعد ذلك، بما يؤمن التنمية المتوازنة للمناطق المختلفة من البلاد، وينظم ذلك بقانون.

ثانياً: تقوم الحكومة الاتحادية وحكومات الاقاليم والمحافظات المنتجة معاً برسم السياسات الاستراتيجية اللازمة لتطوير ثروة النفط والغاز، بما يحقق أعلى منفعة للشعب العراقي، معتمدةً احداث تقنيات مبادئ السوق وتشجيع الاستثمار.»

۳۶. قرار المحكمة الاتحادية العليا العراقية رقم ۷۴/اتحادية/ في ۲۰۱۲/۱۰/۹ المنشور في الموقع الالكتروني للمحكمة.

۳۷. تفسير نصوص الدستور.

۳۸. برای توضیحات بیشتر ر.ک به: أدهم عبد الهادی، حيدر (۲۰۰۸)، قراءات في الرقابة على دستورية تفسير القوانين، مجله التشريع والقضاء، السنة الاولى، العدد الرابع، ۴-۱

۳۹. تفسير المحكمة الاتحادية العليا العراقية رقم ۶۷/اتحادية/ ۲۰۰۶ الصادر بتاريخ ۲۰۰۶/۵/۳ المنشور في الموقع الالكتروني للمحكمة.

Federalism ۴۰

۴۱. البته مسئله فدرالیسم عملاً در منطقه کردستان پیش‌تر محقق شده است؛ خودمختاری این منطقه به دوره عبدالسلام عارف و سال ۱۹۶۱ میلادی برمی‌گردد، امری که در سال ۱۹۹۳ میلادی و با تشکیل دولت و پارلمان منطقه کردستان شکل جدی‌تری به خود گرفت. همچنین پس از سقوط صدام، از شیعیان نیز زمزمه‌هایی مبنی بر ایجاد منطقه جنوب به‌وجود آمد که البته مورد استقبال همه شیعیان قرار نگرفت. (احمدی و قزوینی حائری، ۱۳۸۹: ۲۹)

۴۲. مواد ۲۴ و ۵۲ قانون اداره دولت برای دوره انتقالی

۴۳. در این رابطه اظهار نظرهای فراوان و متفاوتی صورت پذیرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: برخی از گروه‌های عراقی معتقد بودند هر استان از استان‌های ۱۸ گانه باید یک منطقه تشکیل دهد؛ برخی فدرالیسم وسط و جنوب عراق را خواستار بودند؛ برخی موکول کردن بحث فدرالیسم به بعد از استقرار امنیت خواستار شدند؛ برخی نیز با اظهار اینکه در صورت اعطای فدرالیسم به جنوب عراق، جنوب عراق به یک امارت نفتی بدل می‌شود، با آن مخالفت می‌کردند و... (احمدی و قزوینی حائری، ۱۳۸۹: ۳۰)

۴۴. المادة ۱۱۳ للدستور العراقي: «أولاً: يقر هذا الدستور، عند نفاذه، اقليم كردستان و سلطاته القائمة اقليمياً اتحادياً؛ ثانياً: يقر هذا الدستور، الاقاليم الجديدة التي تؤسس وفقاً لاحكامه.»

۴۵. المادة ۱۱۹ للدستور العراقي: «يحق لكل محافظةٍ او اكثر، تكوين اقليمٍ بناءً على طلب بالاستفتاء

عليه، يقدم بأحدى طريقتين: أولاً :- طلب من ثلث الاعضاء في كل مجلس من مجالس المحافظات التي تروم تكوين الاقليم. ثانياً :- طلب من عُشر الناخبين في كل محافظة من المحافظات التي تروم تكوين الاقليم.»

٤٦. المادة ١١٧ للدستور العراقي: يحق لسلطة الأقاليم تعديل تطبيق القانون الاتحادي في الإقليم ، في حالة وجود تناقض أو تعارض بين القانون الاتحادي وقانون الإقليم بخصوص مسألة لا تدخل في الاختصاصات الحصرية للسلطات الاتحادية.

٤٧. المادة ١١٨ للدستور العراقي: «... ثانياً: تمنح المحافظات التي لم تنظم في اقليم الصلاحيات الادارية والمالية الواسعة، بما يمكنها من ادارة شؤونها على وفق مبدأ اللامركزية الادارية، وينظم ذلك بقانون....»

٤٨. قانون المحافظات غير المنتظمه بإقليم رقم (٢١) لسنة ٢٠٠٨.

٤٩. المادة ٩٢ للدستور العراقي: «تختص المحكمة الاتحادية العليا بما يأتي:.... سادساً: الفصل في الاتهامات الموجهة الى رئيس الجمهورية، ورئيس مجلس الوزراء والوزراء، وينظم ذلك بقانون.»

٥٠. النظام الداخلي لمجلس النواب

٥١. المادة ٥٢ للدستور العراقي: «أولاً: يبت مجلس النواب في صحة عضوية اعضائه، خلال ثلاثين يوماً من تاريخ تسجيل الاعتراض، بأغلبية ثلثي اعضائه. ثانياً: يجوز الطعن في قرار المجلس امام المحكمة الاتحادية العليا، خلال ثلاثين يوماً من تاريخ صدوره.»

٥٢. قانون الجنسية العراقية رقم ٢٦ لسنة ٢٠٠٦ ميلادي.

٥٣. المادة ٢٠ لقانون الجنسية العراقية رقم ٢٦ لسنة ٢٠٠٦ ميلادي: «يحق كل من طالبي التجنس والوزير إضافة إلى وظيفته الطعن في القرار الصادر من المحاكم الإدارية لدى المحكمة الاتحادية.»

٥٤. المادة ٧ للنظام الداخلي للمحكمة الاتحادية العليا: «يقدم الطعن على الأحكام والقرارات الصادرة من محكمة القضاء الإداري إلى المحكمة الاتحادية العليا بوساطة رئيس محكمة القضاء الإداري الذي يقوم بالتأشير عليه واستيفاء الرسم القانوني عنه و يرفعه مع اضبارة الدعوى إلى المحكمة الاتحادية العليا.»

٥٥. رك به بي نوشت شماره ٤.

٥٦. المادة ٢٣ للدستور العراقي: «أولاً: الملكية الخاصة مصنوعة، ويحق للمالك الانتفاع بها واستغلالها والتصرف بها، في حدود القانون.

ثانياً: لا يجوز نزع الملكية إلا لأغراض المنفعة العامة مقابل تعويض عادل، وينظم ذلك بقانون....»
٥٧. قرار المحكمة الاتحادية العليا العراقية رقم ٥/اتحادية/٢٠٠٧ في ٢٠٠٧/٧/٢ المنشور في الموقع الالكتروني للمحكمة.

٥٨. طبق مواد ٣، ٤، ٥ و ٦ آيين نامه داخلي دادگاه عالي فدرال، رسيدگي دادگاه عالي فدرال با ارائه

درخواست رسیدگی از سوی دادگاه‌ها، مقامات رسمی و یا مدعی ذی‌نفع امکان‌پذیر می‌باشد.

۵۹. المادة ۱۴ للدستور العراقي: «العراقيون متساوون أمام القانون دون تمييز بسبب الجنس أو العرق أو القوميّة أو الأصل أو اللون أو الدين أو المذهب أو المعتقد أو الرأى أو الوضع الاقتصادي أو الاجتماعي».

۶۰. القرار رقم ۱۲۰ لسنة ۱۹۹۲ وتعديله بالقرار رقم ۱۲۴ لسنة ۱۹۹۳: «يمنع من التعيين في الوظائف التعليمية والقبول بكلليات التربية كل عراقي من اصول أجنبية»

۶۱. اصل ۹۱ قانون اساسی بیان می‌دارد: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود...»

۶۲. لازم به ذکر است که «پیشینی» بودن نظارت شورای نگهبان به نظارت بر مطابقت قوانین با قانون اساسی مربوط می‌گردد و در خصوص نظارت شرعی شورای نگهبان می‌توان به «پسینی» بودن آن اشاره نمود. شورای نگهبان در نظریه تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸، خود را برای بررسی قوانین پیش از انقلاب صالح دانسته و در پاسخ به استفساریه شورای عالی قضایی مقرر داشته است: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق، کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق با موازین اسلام باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است...» علاوه بر این در تایید مسئله مذکور می‌توان به ماده ۴۱ دیوان عدالت اداری اشاره نمود که مقرر می‌دارد: «در صورتی که مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود، نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی، لازم‌الاتباع است.»

۶۳. اصل ۹۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه مقرر می‌دارد: مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوق‌دان اعضاء شورای نگهبان.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir